



ویژگی‌های جامعه‌ی مدنی و پیامدهای آن

مصلح کهنه پوشی*

چکیده

در این مقاله به تحلیل مکانیسم جامعه‌ی مدنی و چگونگی شکل‌گیری و ارتباط آن با دولت پرداخته می‌شود. برای روشن شدن مفهوم جامعه‌ی مدنی از نظرات اندیشمندان مختلفی استفاده شده است. نویسنده در صدد است فاکتورهایی که سازوکار جامعه‌ی مدنی را تشکیل می‌دهند مشخص سازد. در ادامه به شرایط و موقعیتی اشاره می‌شود که از توسعه و استقرار جامعه‌ی مدنی به وجود می‌آید و می‌تواند قدرت سیاسی دولت را به چالش بکشد؛ به عبارت دیگر، ویژگی‌های جامعه‌ی مدنی و تغییراتی که از شکل‌گیری آن پدیدار می‌شود مورد بحث قرار می‌گیرد. در پایان به آثار و پیامدهای جامعه‌ی مدنی و تحولاتی که می‌تواند در زندگی اجتماعی ایجاد کند، پرداخته می‌شود.

کلمات کلیدی

جامعه‌ی مدنی، قدرت دولت سیاسی، دموکراسی، تشکل‌های مدنی، مشارکت سیاسی، حقوق انسان‌ها و....

مقدمه

یکی از مفاهیم اصلی در نظریه‌ی سیاسی نوین، مفهوم "جامعه‌ی مدنی" است که از «کونونیا

* کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی

پولیتیکه^۲ی ارسطو مشتق شده است. به همین خاطر جامعه‌ی مدنی را پیش از هر چیز می‌توان مفهومی تاریخی دانست. به عبارت دیگر از دوران یونان و رُم باستان که دولت - شهر وجود داشته تا به امروز در جامعه‌ی شهری در پرتو تکنولوژی اطلاعات بسیار پیچیده، از تعابیر جامعه‌ی مدنی صحبت شده است (امیر احمدی، ۱۹۱:۷۶).

اندیشه‌ی جامعه‌ی مدنی به شیوه‌های مختلف در آثار فلاسفه‌ی سیاسی مانند: "هابز"^۳، "لاک"^۴، "هگل"^۵، "مارکس"^۶، "میل"^۷، "دوتوکویل"^۸ و همچنین در آثار پُست مُدرنیست‌ها تفسیر و تحلیل شده است (بیوتینگن، ۱۹۱:۸۱). جامعه‌ی مدنی اصطلاحی است که برای اولین بار در قرن هفدهم میلادی توسط فیلسوف سیاسی انگلیسی "جان لاک" به کار رفت که در دهه ۱۹۸۰ به بعد به شیوه‌ی جدی در علوم جامعه‌شناسی و سیاست مطرح شد. "پرویز پیران" در مورد سیر حرکتی جامعه‌ی مدنی معتقد است: این مفهوم در سیر تاریخی خود، مفاهیم گوناگونی را القاء کرده که در واقع به ضرورت‌های مقاطع تاریخی بر می‌گردد، یعنی روزگاری مساوی دولت بوده، زمانی در مفهوم صنف و بخش خصوصی تبلور یافته، و امروزه فرای مفهوم دولت و فضای حوزه‌های عمومی را در بر می‌گیرد (پیران، ۲۰۹:۷۷-۲۰۸).

در دوره‌ای از حیات نظریه‌ی سیاسی بر مفهوم دولت تأکید، و استدلال می‌شد که برای به وجود آمدن جامعه، یک دولت مقتدر لازم است^۹. اما در مراحل بعد لیبرال‌ها بر کوچک شدن دولت اصرار داشتند و معتقد بودند که جامعه در این میان خودش را باز تولید و ترمیم می‌کند. بدین ترتیب، توجه نظریه پردازان سیاسی از قدرت دولت به سوی ماهیت و شکل‌گیری جامعه‌ی مدنی هدایت شد.

لیبرال‌ها، جامعه‌ی مدنی را به عنوان حوزه‌ای فعال، پویا و سرزنده مطرح کرده‌اند که افراد برای

۱- Civil Society

۲- koinonia Politike

۳- Hobbes

۴- Luck

۵- Hegel

۶- Marx

۷- Mill

۸- De Tocqueville

۹- نظریه پردازان قرارداد اجتماعی مثل "هابز" طرفدار چنین استدلالی بودند.

محدود کردن قدرت دولت نوین به سازماندهی جمعی خود در قالب انجمن‌های اجتماعی می‌پردازند از نظر "استوارت میل" و "دوتو کوپل"، وجود انجمن‌های اجتماعی، باعث همبستگی و توسعه‌ی روابط اجتماعی می‌شود و حدود و ماهیت قدرت دولت در گفتمان سیاسی مشخص و به چالش خوانده می‌شود (چاندوک، ۱۱۳:۷۷).

مفهوم جامعه‌ی مدنی

امروزه هم کشورهای توسعه یافته و هم کشورهای در حال توسعه خواهان احیای جامعه‌ی مدنی و تقویت آن هستند و ارزش‌های جهانشمولی در این رابطه پدید آمده است که می‌توان آن را به عنوان «روش یا شیوه‌ی زندگی» قلمداد کرد (امیراحمدی و دیگران، ۲۱۳:۷۷-۲۰۸). در این شرایط جامعه با دولت ارتباط می‌یابد و به وسیله‌ی آن، زیاده‌رویهای بالقوه‌ی دولت‌ها در جوامع دموکراتیک را می‌توان کنترل و محدود نمود (چاندوک، ۳۲:۷۷). جامعه‌ی مدنی که از تشکلهای بی‌شمار مردمی شکل می‌گیرد، سرچشمه‌ی واقعی قدرت مردم است که طرز تفکری جدید و نگرشی تازه به جهان می‌بخشد و این فرایند امری است درون‌زا که از دینامیسم درونی جامعه با آگاهی از پیشرفت علوم و ماهیت فرهنگ هر جامعه حاصل می‌شود و رکود درونی جامعه را به تحرک می‌کشانند (فیوضات، ۱۲۱:۸۰-۱۲۰). در چنین جامعه‌ای افراد دارای سه نوع حقوق هستند: الف) حقوق انسانی (عضویت در جامعه‌ی انسانی)؛ ب) حقوق شهروندی (عضویت در پدیده ملت - دولت)؛ ج) حقوق مدنی (عضویت در تشکلهای مدنی). انجمن‌ها و تشکلهای مردمی^۱ (حاصل از توسعه‌ی جامعه‌ی مدنی) نوعی پیشرفت اجتماعی و فرهنگی قلمداد می‌شوند که با تبدیل شدن به نهاد، پشتوانه و ضمانتی برای احقاق حقوق افراد در لایه‌های مختلف جامعه به حساب می‌آید.

در پروسه‌ی تکاملی مفهوم جامعه‌ی مدنی، دولت دیگر حد و مرز جامعه را تعیین نمی‌کند؛ بلکه مشروعیت نظام سیاسی به رضایت بازیگران جامعه بستگی دارد؛ در نتیجه حوزه‌ی مستقلی از رویه‌ها، حقوق و شأن اجتماعی افراد شکل می‌گیرد. (چاندوک، ۲۹:۷۷) که از حقوق مردم در مقابل خطرات احتمالی محافظت می‌نماید.

"هگل" را نخستین نظریه پرداز می‌دانند که مفهوم دولت را از جامعه‌ی مدنی تفکیک کرد.

۱- این تشکلهای مانند: انجمن‌های علمی، سندیکاها یا شوراهای کارگری، احزاب سیاسی، انجمن‌های ادبی و هنری و....

وی معتقد است که فرد در قلمرو جامعه‌ی مدنی احساس آزادی فاعلانه می‌کند (همان: ۱۱۷-۱۱۶). طرفداران جامعه‌ی مدنی آگاهانه می‌کوشند تا قلمرو دولت را محدود ساخته و حوزه‌ی غیر دولتی را گسترش دهند. در این زمینه دو نظریه کلی مهم در توسعه و استقرار جامعه‌ی مدنی وجود دارد: (۱) جامعه‌ی مدنی مفهومی است مستقل از قدرت سیاسی که خواهان محدودیت و کنترل دولت می‌باشد (هگل، مارکس و...؛ ۲) نهادهای جامعه‌ی مدنی به نوعی، دولت را باز تولید می‌کنند و رابطه‌ی تنگاتنگی بین این دو وجود دارد. آلتوسر^۱ و جمعی از نویسندگان، ۱۴۴:۷۷). در این مقاله با تأکید بر تعبیر مورد اول و پذیرش استقلال نسبی این حوزه در نظام اجتماعی کل، می‌توان گفت جامعه‌ی مدنی از محقق بودن انسان‌ها و از تفویض اختیارات‌شان به یک دستگاه حاکمه شروع و با بسط آن «تفکیک قوا» صورت می‌گیرد و نهایتاً با پلورالیسم و تکثر، این پروسه تکامل می‌یابد (سروش، ۱۲۹:۷۷). انسان‌ها در چنین جامعه‌ای مستقل از قدرت سیاسی تصمیم می‌گیرند و انتخاب‌شان را در چارچوب قانون و قواعد کلی جامعه انجام می‌پذیرد.

در مقابل، هنگامی که تشکل مستقلی برای پناه دادن به افراد (از حیث اجتماعی و حقوقی) وجود نداشته باشد؛ اصولاً همه‌ی امور باید به حاکمیت ارجاع شود و چنین شیوه‌ای حاکمیت را تمامیت خواه (توتالیتیر) می‌کند (محمدی، ۷۶:۷۵-۷۴). توسعه و استقرار جامعه‌ی مدنی و تمسک به آن به میزان رشد فرهنگ مدنی در سطح جامعه بستگی دارد که این عامل بیشترین ارتباط را به عملکرد سیستم آموزشی، فعالیت‌های اجتماعی نخبگان، چگونگی جامعه‌پذیری افراد در جامعه دارد و ساختارهای سیاسی برای هموار کردن زمینه‌ی چنین پروسه‌ای نقش به‌سزایی ایفاء می‌کند. لازم به یاد آوری است در این فرایند عملکرد تقویت جامعه‌ی مدنی هم، می‌تواند در نهایت به نفع نظام سیاسی موجود باشد؛ زیرا در جوامعی که نهادهای واسط (احزاب، تشکل‌ها و نهادهای مدنی) وجود نداشته باشد و اصطلاحاً جامعه "اتمیزه" است و سازوکارهای لازم برای رقابت در حوزه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی مسدود می‌باشد، اصولاً رقابت‌ها به شکل فردی و توده‌وار بروز خواهد کرد (سازماندهی نشده) که شرایط برای جذب شعارهای یک کاتالیزور یا رهبر سیاسی فراهم می‌آید. در چنین حالتی از یک سو نیروی متراکم سرکوب شده‌ی مردم (پتانسیل اجتماعی) می‌تواند نظم اجتماعی و وفاق ملی را در هم بشکند و حتی نظام سیاسی را دچار چالش

۱- Althusser

نمایند (میرمحمدی، ۸۰:۸۵). و از سوی دیگر؛ امنیت، در دستگاه اطلاعاتی مخوف، نیروهای سرکوب برای کنترل شورش محتمل، پلیس مخفی قدرتمند و چهره‌ی خشن و سلطه‌گر خلاصه می‌شود که بسیار هزینه بردار است (محمدی، ۷۶:۱۵۸-۱۵۷). در این مورد "گرامشی" اشاره می‌کند دولت‌ها با بلعیدن جامعه‌ی مدنی، خود را آسیب پذیر می‌سازند (چاندوک، ۷۷:۱۵۷).

با توجه به اهمیت و نقش جامعه‌ی مدنی در عصر حاضر، "محمدی" می‌نویسد: «جامعه‌ی مدنی بخش‌های عقلانی تجدد یعنی تخصصی شدن سازمان‌ها در سطح بالا، افزایش درجه وابستگی نهادها و افراد به یکدیگر... و کاهش عملکرد ملاحظات خویشاوندی، را به پیش می‌برد» (محمدی، ۷۶:۶۱). البته این موارد بر اساس قرارداد اجتماعی یا الزام درونی افراد به قانون، شکل می‌گیرد و به شیوه‌های ممکن غریبه‌هایی را دور هم جمع می‌کند و در جهت تأمین منافع افراد، گروه‌ها و انجمن‌ها روابط متقابل صوری، رسمی و برابر برقرار می‌نماید^۲. با این تفسیر می‌توان جامعه‌ی مدنی را حوزه‌ای به حساب آوریم که در آن افراد عاقل و مختار به‌طور ارادی و داوطلبانه وارد روابط اجتماعی با دیگران می‌شوند (چاندوک، ۷۷:۳۲). بنابراین در قالب تشکّل‌ها و انجمن‌ها افراد به‌جای موجودات ذره‌وار به ترکیب‌های معنی‌دار و به "هویت ویژه" تبدیل می‌شوند که برای دستیابی به ارزش‌ها و هنجارهایی از قبیل: مشارکت سیاسی، مسؤولیت‌پذیری، پاسخگویی، رقابت سالم و عمومی بودن سیاست، تمرین مدارا با رقیب و... تلاش می‌کنند. به عبارت دیگر وجود تشکّل‌های مدنی و انجمن‌های مردمی راه را برای برقراری مردم‌سالاری هموار می‌سازد. بسیاری از محققان و نظریه‌پردازان به بحث درباره‌ی ضرورت جامعه‌ی مدنی برای تضمین دموکراسی پرداخته‌اند^۳. از این منظر جامعه‌ی مدنی را می‌توان به معنای بستر دموکراسی و تقویت آزادی فردی دانست، این تفکر از اندیشه‌های "گرامشی" و "هابرماس"^۴ الهام می‌گیرد. به همین خاطر است، امروزه جامعه‌ی مدنی به مهمترین آرمان جوامعی که برای ایجاد دموکراسی مبارزه می‌کنند، تبدیل شده است. مفهوم جامعه‌ی مدنی با تلفیق جالب دموکراسی و پلورالیسم و با نقش

۱- Gramsci

۲- این نکته اساس حیات جامعه‌ی مدنی به حساب می‌آید.

۳- برای اطلاع بیشتر ر.ک به رضایی، ۱۳۷۷.

۴- مانند "استپان" که مفهوم جامعه‌ی مدنی را در مورد جنبش‌های اجتماعی آمریکای لاتین، در راه ایجاد دموکراسی حائز اهمیت می‌خواند.

۵- Habermas

محدودی که برای دولت قایل است، افراد اهل اندیشه و عمل را ترغیب کرده است تا آن را به عنوان راه نجات جوامع بپذیرند (چاندوک، ۷۷: ۳۱-۲۲). همان طور که در گزارش توسعه‌ی انسانی ملل متحد در سال ۱۹۹۳ اعلان شد که تنها راه حل مناسب برای افزایش مشارکت شهروندان و تقویت دموکراسی، توسعه‌ی نهادهای جامعه‌ی مدنی است. یا در گزارش توسعه‌ی جهانی^۱ در سال ۱۹۹۷ که توسط بانک جهانی منتشر شد، تقویت جامعه‌ی مدنی را راهی برای افزایش پایداری نهادهای اجتماعی می‌داند که این نهادها ممکن است توانایی جلوگیری از هرج و مرج در زمانی که دولت بسیار ضعیف است را داشته باشند (مکلواین، ۷۷: ۱۷۰).

مفهوم جامعه‌ی مدنی از دیدگاه اندیشمندان

در این قسمت نویسنده بر آن است که با مروری بر اندیشه‌های صاحب‌نظران در مورد جامعه‌ی مدنی فضای مفهومی این اصطلاح را روشن تر نماید؛ تا از این طریق تعابیر متفاوتی که در ادبیات نظری از مفهوم جامعه‌ی مدنی وجود دارد به‌طور خلاصه بررسی و فرصتی ایجاد گردد تا به تحلیل مناسب‌تری در این زمینه دست یابیم.

در این راستا "اسپنسر"^۲ معتقد است جامعه‌ی مدنی، روشی برای جلوگیری از بازگشت جامعه به دوران برده‌داری می‌باشد^۳ (محمدی، ۱۴: ۷۶). "ژان کوهن"^۴ جامعه‌ی مدنی را «تثبیت نهادهای اجتماعی بر اساس حقوق به شیوه لیبرالیسم کلاسیک» می‌داند. از نظر وی جامعه‌ی مدنی از سه بخش تشکیل شده است: الف) حوزه اجتماعی متشکل از نهادها، انجمن‌ها و گرایش‌های مختلف؛ ب) حوزه‌ی انتخاب اخلاقی مستقل یا حوزه خصوصی؛ ج) نظام حقوقی شامل نظامی از حقوق بنیادی که حوزه‌ی اجتماعی را حفظ و متمایز می‌سازد (چاندوک، ۷۷: ۳۲۵). همچنین "آراتو"^۵ جامعه‌ی مدنی را متشکل از نهادهای مدافع حاکمیت قانون و ضامن حقوق مدنی حوزه‌ی عمومی آزاد و انجمن‌های مستقل گوناگون می‌داند. "هگل"، فیلسوف بزرگ آلمانی می‌نویسد: «همکاری با دیگران باعث می‌شود که جزئیت تعدیل شود. در این حالت فرد، دیگر یک واحد

۱- Word Band World Development Report Of 1997.

۲- Spencer

۳- اسپنسر تمایل دولت‌ها به دخالت و تحکم در امور شهروندان را نوعی بازگشت به برده‌داری می‌داند.

۴- Jean, Cohen

۵- Arato

محض نیست؛ چون در اثر نیروی آموزشی و نهادهای جامعه‌ی مدنی وجدانی اجتماعی یافته است و اهداف خود را صرفاً در قالب اهداف کلی می‌جوید». "هگل" جامعه‌ی مدنی را نظام نیازها و برآورده شدن متقابل آنها تعریف کرده است. "مارکس" جامعه‌ی مدنی را «مبارزات و آرمان‌های عصر» می‌خواند. و "فرگوسن"^۱ جامعه‌ی مدنی را نشانه‌ی کمال تمدن می‌داند و معتقد است جوامع پیشرفته دارای جامعه‌ی مدنی، ولی جوامع ابتدایی فاقد آن می‌باشند. او در کتاب خود درباره تاریخ جامعه‌ی مدنی می‌نویسد: جامعه‌ی مدنی با پیشرفت‌های اخلاقی و فرهنگی، تقسیم کار پیچیده، پابندی حکومت به قانون و سرزندگی عمومی همراه است. به تعبیر "هابز" و "لاک" جامعه‌ی مدنی، مخالف وضع طبیعی محسوب می‌شود. "گرامشی" جامعه‌ی مدنی را مجموعه‌ی سازمان‌هایی می‌داند که معمولاً خصوصی تلقی می‌شوند و بین ساختار اقتصادی از یک سو؛ و دولت و دستگاه‌های قانون گذاری و اعمال قهر آمیز از سوی دیگر قرار دارد (همان: ۱۵۵-۲۹). وی ربنای جامعه‌ی مدنی را به مثابه شبکه‌ی سنگرهای جنگ مدرن قلمداد می‌کند (گرامشی، ۵۶:۷۷). "دوتوکویل" نظریه پرداز لیبرال، جامعه‌ی مدنی را سپری می‌داند که از فرد در مقابل دولت محافظت می‌کند (چاندوک، ۳۳:۷۷). وی این جامعه را محل بروز تنوع و گوناگونی در نظر می‌گیرد (امیراحمدی و دیگران، ۲۰۹:۷۷). و معتقد است که جامعه‌ی مدنی باید مکانیسمی برای پاسخگویی و محدود کردن قدرت دولت بیابد. یکی از راهکارها، توزیع قدرت بین نهادهای گوناگون دولت است؛ چیزی که بعداً به آموزه‌ی «تفکیک قوا» معروف شد. از نظر "دوتوکویل" مهمترین وسیله کنترل قدرت، وجود انجمن‌های اجتماعی است که به عنوان «چشم مستقل» عمل می‌نمایند و باعث تماس هر چه بیشتر افراد با یکدیگر شده و از آزادی و استقلال حوزه‌ی مدنی دفاع می‌کند. در همین راستا "هگل" می‌نویسد: عضویت در انجمن‌ها منافع شخصی فرد را تعدیل می‌کنند (چاندوک، ۱۲۸:۷۷-۱۰۸). "ماکس وبر"^۲ هم جامعه‌ی مدنی را در ارتباط با انجمن‌ها و "زندگی انجمنی"^۳ تعریف کرده است (امیراحمدی و دیگران، ۲۰۹:۷۷). همچنین "نیرا چاندوک"^۴ معتقد است که جامعه‌ی مدنی فضایی را برای زندگی انجمنی فراهم

۱- Fergusen

۲- Max, Weber

۳- Associational Life

۴- Neera Chandhoke

می‌سازد (چاندوک، ۳۲:۷۷). "هابرماس" اخلاق گفتمانی را بنیاد نظریه‌ی جامعه‌ی مدنی نوین می‌داند (محمدی، ۱۵:۷۶)؛ و با "هانا آرنه" در دسته‌ای قرار می‌گیرند که معتقدند جامعه‌ی مدنی در عصر تجدد در حال ضعیف شدن و رنگ باختن است؛ زیرا هر روز بیشتر به دام آزادی‌های منفی می‌افتیم و دولت رفاه‌بخش بیش از پیش تقویت می‌شود و رفاه‌بخشی یعنی از میان بردن جوهره‌ی انسان به‌عنوان موجودی آزاد و مختار^۱. در پایان این قسمت به دیدگاه "هوشنگ امیراحمدی" اشاره می‌شود که معتقد است جامعه‌ی مدنی حوزه‌ای است عمومی میان دولت و شهروند که برای اعمال و کردار این دو قطب در قبال هم، قاعده تعیین می‌کند (امیراحمدی، ۸۱:۷۷).

ویژگی های جامعه‌ی مدنی

اصولاً جامعه‌ی مدنی از درون خود، مسؤولیت‌ها و اختیارات را به‌طور مساوی تقسیم می‌کند تا زمینه‌ای باشد در جهت بسط این الگو در ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه که نهایتاً مانع واگذاری اختیارات نامحدود به حاکمان می‌شود تا از خود کامگی و استبداد جلوگیری نماید (محمدی، ۱۹:۷۶). سازوکار جامعه‌ی مدنی راه را برای کانالیزه و به فعلیت رساندن خواست و اراده‌ی شهروندان فراهم می‌آورد؛ به‌طوری که اعضای این جامعه دارای حقوق و تکالیف مشخص و تعریف شده‌ای هستند و می‌توانند پیوندهای متقابل ارتباطی را ایجاد و مشارکت فزاینده و مستقیمی که مبتنی بر برابری است را هموار سازند. با توجه به این مقدمه ویژگی‌های جامعه‌ی مدنی را می‌توان به شرح ذیل ذکر کرد:

- ۱) جامعه‌ی مدنی جامعه‌ی قانون‌مند است که این قانون شامل همه‌ی شهروندان می‌شود.
- ۲) کنترل اجتماعی در جامعه‌ی مدنی از نوع درونی است نه بیرونی؛ این نوع کنترل کم هزینه، پایدار و داوطلبانه می‌باشد.
- ۳) فعالیت و مشارکت در جامعه‌ی مدنی به‌طور گسترده در نظام اجتماعی صورت می‌گیرد که منجر به احساس مسؤولیت می‌شود و در نتیجه «اعتماد اجتماعی» در سطح جامعه افزایش می‌یابد.
- ۴) مجموعه‌ی نهادها، تشکله‌ها، انجمن‌ها در جامعه‌ی مدنی، خودگردان و مستقل از دولت

۱- Hana Arent

۲- برای اطلاع بیشتر ر. ک به میزگرد ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال یازدهم، شماره نهم و دهم، خرداد و تیر ۱۳۷۶.

فعالیت می‌کنند.

- ۵) مفهوم جامعه‌ی مدنی (به معنای امروزی)، متعلق به دوران مدرن می‌باشد.
 - ۶) افراد در جامعه‌ی مدنی از خشونت دوری و به گفت‌وگو و تفاهم معتقدند.
 - ۷) مفهوم جامعه‌ی مدنی همپای رشد، تکامل و تغییر زندگی اجتماعی، تحول می‌یابد.
 - ۸) پلورالیسم^۱، مبادله‌ی فکری و برخورد اندیشه در فضای عمومی جامعه‌ی مدنی استقرار و توسعه می‌یابد.
 - ۹) در جامعه‌ی مدنی روابط گروهی (افقی) ایجاد، تقویت و منجر به هویت مشترک انسانی در جامعه می‌گردد.
 - ۱۰) در چنین جامعه‌ای، روابط مدنی بر روابط خویشاوندی ترجیح داده می‌شود.
 - ۱۱) شفافیت در سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات؛ یکی از ویژگی‌های اصلی جامعه‌ی مدنی محسوب می‌شود.
 - ۱۲) تشکل‌های جامعه‌ی مدنی بر اساس نوعی توافق و قرارداد میان اعضا شکل می‌گیرد و چیزی بیرون از این قرارداد بر آن حاکم نیست (محمدی، ۹:۷۶-۸).
 - ۱۳) ایجاد و تقویت جامعه‌ی مدنی، حادثه‌ای یکباره و پدیده‌ای سریع نیست؛ بلکه فرایندی آهسته و تدریجی می‌باشد و پویایی خاص خود را دارد (چاندوک، ۳۲:۷۷).
 - ۱۴) جامعه‌ی مدنی خصلتی تربیتی دارد؛ زیرا ارزش عمل جمعی را به فرد می‌آموزد (همان منبع). در پایان این قسمت به ابعاد متمایز و ویژگی‌های جامعه‌ی مدنی از دیدگاه "ژان کوهن" و "اندرو آراتو" اشاره می‌شود:
۱. وجود خانواده‌ها، گروه‌های غیر رسمی و مجمع‌ها یا انجمن‌های داوطلبانه و ارادی که چندگانگی و خودسامانی آنها شکل‌های گوناگون از زندگی را ممکن می‌کند؛
 ۲. وجود نهاد‌های فرهنگی و ارتباطی که حوزه‌ی عمومی یا آشکار زندگی را در بر می‌گیرند؛
 ۳. امنیت و حرمت حوزه‌ی خصوصی زندگی و قلمرویی که افراد بتوانند در آن قابلیت‌ها و توانایی‌های خود را متحقق کنند و به گزینش‌های اخلاقی و انسانی مستقل دست یازند؛
 ۴. اگر افراد خواهان حد فاصل میان وجوه یاد شده و فراهم کردن امکان حوزه‌های عمومی و

خصوصی زندگی از یک‌دیگر یا از دولت و زندگی اقتصادی باشند؛ نیازمند وجود ساختارهای قانون و یک سلسله حقوق اولیه هستند که بدون آنها جامعه‌ی مدنی استقرار نخواهد یافت^۱ (کوهن و آراتو، ۹۲:۵۸).

آثار و پیامدهای جامعه‌ی مدنی

همچنان که مطرح شد استقرار و توسعه‌ی جامعه‌ی مدنی، زمینه را برای ایجاد انجمن‌های مختلف، آزادی اندیشه، برگزاری گردهمایی‌ها، پاسداری از حریم خصوصی و احترام به گوهر فردیت انسان فراهم می‌آورد. با توجه به تعدد انجمن‌ها و تشکل‌های مردمی، جامعه‌ی مدنی، نظام اجتماعی را در جهت نهادینه کردن چندصدایی سوق می‌دهد و اساس و بنیان جامعه‌ی تک‌صدا که ضعیف و نحیف می‌باشد؛ در هم می‌شکند و هژمونی و انحصار در سطوح مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را به حداقل می‌رساند.

از دیدگاه "کوهن" و "آراتو" تحقق جامعه‌ی مدنی بر یک سلسله حقوق پیچیده و مهم تکیه دارد که جامعه‌ی پذیرنده و زندگی اجتماعی فرد، تعامل و پیوندهای اجتماعی و پویایی زندگی فرهنگی را ممکن و تأمین می‌سازد^۲.

در پایان این مقاله به نتایج و پیامدهای جامعه‌ی مدنی به‌طور خلاصه اشاره می‌شود:

۱. ایجاد و تقویت جامعه‌ی مدنی و تحوّل آن پیش شرط اساسی تحوّل قلمرو سیاسی محسوب می‌شود و باعث دگرگونی این حوزه می‌شود.
۲. جامعه‌ی مدنی مجرای برای به‌خود تحقق بخشیدن انسان‌ها را فراهم می‌کند^۳.
۳. از استقرار و توسعه‌ی جامعه‌ی مدنی اراده و فرصتی به‌وجود می‌آید تا بر فعالیت و برنامه‌های دولت نظارت شود. این مورد به تعبیر "گرامشی" نزدیک است که معتقد است جامعه‌ی مدنی نگهبان و سپری برای محافظت شهروندان در مقابل تجاوز و تعدی دولت‌هاست.
۴. دولت مدرن از طریق سازوکارها و فعالیت‌های منظم جامعه‌ی مدنی، خود را در تعاملات زندگی روزمره، باز تولید می‌کند.

۱- برداشت دو پژوهشگر یاد شده از جامعه‌ی مدنی، متأثر از اندیشه‌های نظریه پرداز معاصر آلمانی یورگن هابرماس است.

۲- برای اطلاع بیشتر ر.ک به مقاله "دموکراسی، جامعه‌ی مدنی، تمدن مدرن" از فخرالدین عظیمی (۱۳۷۷).

۳- این مورد به تعبیر "هگل" نزدیک است که "مارکس" هم آن را می‌پذیرد.

۵. با توجه به رشد ذهنی، افزایش آگاهی و شعور سیاسی و درک و فهم عمیق‌تر از مسائل اجتماعی و سیاسی در جامعه‌ی مدنی واقع‌بینی در مورد واقعیت‌های اجتماعی به‌جای بدبینی یا خوش‌بینی ایجاد و تقویت می‌شود.
۶. توسعه‌ی فرهنگ سیاسی دموکراتیک یکی از پیامدهای جامعه‌ی مدنی قلمداد می‌شود.
۷. جامعه‌ی مدنی موارد مصلحتی تجاوز به حریم خصوصی افراد را به حداقل می‌رساند.^۱
۸. تشکل‌های مدنی پایگاه مناسبی برای پیگیری و دست‌یابی به حقوق انسانی و شهروندی است و فرد دارای حرمت و احترام خاصی است.
۹. ایده‌ی جامعه‌ی مدنی، مفهوم مطلق‌گرایی را به چالش می‌کشد و از فرهمندی افراد و برگزیده شدن قوم خاصی جلوگیری می‌کند و به سنت نقادی در مورد مفاهیم مطلق دامن می‌زند.
۱۰. در فرایند جامعه‌ی مدنی، تمرین همزیستی و برقراری رابطه‌ی اجتماعی مناسب در جهت سامان دادن به زندگی جمعی افراد صورت می‌گیرد؛ زیرا که در انجمن‌ها و تشکل‌ها فاکتورهایی مانند: نژاد، قومیت، مذهب و جهت‌گیری‌های سیاسی عامل تعیین‌کننده‌ای نیستند؛ در نتیجه حرمت، احترام و شخصیت فرد به‌عنوان انسان در شبکه‌ی روابط اجتماعی مد نظر قرار می‌گیرد.
۱۱. احترام و اعتماد دو سویه‌ی دولت-ملت به‌جای ترس و سلطه در جامعه‌ی مدنی نمود پیدا می‌کند.
۱۲. نهایت جامعه‌ی مدنی این است که انسان‌ها بتوانند درباره‌ی شیوه‌ی زندگی خود تصمیم بگیرند و حد و مرزی برای تصمیم‌گیری‌هایشان وجود نداشته باشد.^۲
۱۳. "هابرماس" معتقد است تحول جامعه‌ی مدنی موجب می‌شود که "عقل جمعی" و "عقل ارتباطی" در تار و پود دولت رسوخ کند و دولت را دچار دگرگونی سازد.^۳
۱۴. یکی از آثار مهم این پروسه، ایجاد دولت پاسخگو است که صداهای مخالف را ناشنیده

۱- برای اطلاع بیشتر ر.ک به محمدی، ۱۳۷۶.

۲- این نکته از حسین بشیریه می‌باشد.

۳- برای اطلاع بیشتر ر.ک به میزگرد ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال یازدهم، شماره نهم و دهم، خرداد و تیر ۱۳۷۶.

نمی‌گذارد و آگاهی از کارنامه‌ی اعمال خود را به بهانه‌ی پاسداری از اسرار دولتی نا ممکن نمی‌سازد (عظیمی، ۶۳:۷۷).

منابع

- امیراحمدی، هوشنگ و دیگران (۱۳۷۷)، «جامعه مدنی در پرتو رویداد دوم خرداد» (میزگرد)، مجموعه مقالات "جامعه مدنی و ایران امروز"، چاپ اول، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۷۷)، «درآمدی بر جامعه‌ی مدنی در ایرن امروز»، مجموعه مقالات "جامعه مدنی و ایران امروز"، چاپ اول، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- بیوتینگن، یاکوسلاو (۱۳۸۱)، «منش سیاسی جامعه‌ی مدنی»، ترجمه عبدالعزیز مولودی، مجله جامعه شناسی ایران، شماره ۴.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۷۷)، جامعه مدنی و ایران امروز، چاپ اول، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۷۷)، «جامعه مدنی و نسبت آن با دین»، مجموعه مقالات "جامعه مدنی و ایران امروز"، چاپ اول، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- چاندوک، نیرا (۱۳۷۷)، جامعه مدنی و دولت (کاوش‌هایی در نظریه‌ی سیاسی)، ترجمه فریدون فاطمی و وحید بزرگی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- حجاریان، سعید (۱۳۷۷)، «جامعه مدنی و ایران امروز»، مجموعه مقالات "جامعه مدنی و ایران امروز"، چاپ اول، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- رضایی، علی (۱۳۷۷)، «ظهور و تکامل جامعه مدنی»، مجموعه مقالات "جامعه مدنی و ایران امروز"، چاپ اول، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۷)، «دین و جامعه مدنی»، مجموعه مقالات "جامعه مدنی و ایران امروز"، چاپ اول، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- عظیمی، فخرالدین (۱۳۷۷)، «دموکراسی، جامعه مدنی، تمدن مدرن»، مجموعه مقالات "جامعه مدنی و ایران امروز"، چاپ اول، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- فیوضات، ابراهیم (۱۳۸۰)، «اصلاحات و موانع آن در ایران»، نامه انجمن جامعه شناسی ایران، شماره ۶.
- گرامشی، آنتونیو (۱۳۷۷)، دولت و جامعه مدنی، ترجمه عباس میلانی، چاپ اول، انتشارات جاگرمی.
- محمدی، مجید (۱۳۷۶)، جامعه مدنی (به منزله یک روش)، چاپ اول، تهران: نشر قطره.
- مکلواین، کنی (۱۳۷۷)، «جامعه‌ی مدنی و جغرافیای توسعه: پیشرفت در جغرافیای انسانی»، ترجمه

- مرجان بدیعی ازندهی، فصلنامه مدرس، شماره هشتم.
- میرمحمدی، داود (۱۳۸۰)، «رهیافت نظری تحلیل رقابت سیاسی و وفاق اجتماعی در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۹.
 - ایران فردا (۱۳۷۵)، مهرماه، شماره ۲۷: ۱۷-۱۰.
 - مجله کیان (۱۳۷۵)، آبان و آذر، سال ششم، شماره ۳۳.
 - میزگرد (۱۳۷۶)، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال یازدهم، شماره نهم و دهم، خرداد و تیر.
 - Jean L.Cohen & Andrew Arato(1992),Civil Society and political theory, (Cambridge, MA and London: MIT press).
 - McIlwaine , Cathy (1998) 'Civil and Development Geography'; progress in Human (Geography;22,3;pp.415-424).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی